



## درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبیٰ نورمفیدی

موضوع کلی: مقدمات  
موضوع جزئی: مقدمه هفتم: فی المراد بالغنیمه (امر اول: غنیمت در لغت)  
تاریخ: ۱۰ مهر ۱۳۹۲  
مصادف با: ۲۶ ذی القعدة ۱۴۳۴  
جلسه: ۱۳  
سال چهارم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته:

در امر اول پیرامون معنای غنیمت اقوال بسیاری از بزرگان اهل لغت را ذکر کردیم خلاصه آنچه که در جلسه گذشته بیان شد این بود که بعضی از لغویین فقط به معنای لغوی غنیمت اشاره کردند و بعضی فقط به معنای اصطلاحی و بعضی به هر دو، مجمع البحرین فقط به معنای اصطلاحی اشاره کرده که همان غنیمت جنگی است در مثل «العین» فقط به معنای لغوی اشاره شده اما بعضی مثل معجم مقاییس اللغة به هر دو معنی اشاره کرده اند یا مثل راغب اصفهانی در مفردات البته خود اینها با هم تفاوت هایی دارند. بعضی غنم را که ریشه غنیمت است این گونه معنی کردند: «الغنم هو الفوز بشيء بلا مشقة» بعضی هم فوز را بدون اینکه قید عدم المشقة کنار آن ذکر کنند، بیان کردند.

دو معنای دیگر هم برای غنم شده است که به آنها اعتنایی نمی شود البته یکی از آن دو قابل بازگشت به دیگری هست.

### معنای سوم:

المنجد غم را این گونه معنی کرده: «غَنِمَ غَنْمًا الشَّيْءَ فَازَ بِهِ وَ نَالَ بِالْبَدَلِ» چیزی که انسان بدون بدل و عوض بدست بیاورد اینجا به کلی متفاوت است با آنچه که تا به حال گفتیم؛ آنچه ما گفتیم «الفوز و الاصابة بشيء یا الفوز و الاصابة بشيء بلا مشقة» بود الفوز بشيء بلا بدل در هیچ کدام از کتب لغوی قدیمی نیامده و معلوم نیست المنجد این معنی را از کجا اخذ کرده و در کتابش آورده لذا چون از کتب قدیمی معتبر نیست خیلی به این قول نمی توان اعتنا کرد و به علاوه موافق با استعمالات هم نیست یعنی اگر مثلاً انسان چیزی را بدست بیاورد مع البدل لایصدق علیه غنیمه؟ یعنی حتماً باید بدون بدل و عوض باشد؟ در همان غنیمت جنگی بدون بدل و عوض نیست؛ غنیمتی که نصیب مجاهدین می شود عوض جهاد و تلاش و زحمتی است که در جنگ کشیدند.

### معنای چهارم:

یک معنای دیگری در کتاب التحقیق فی کلمات القرآن ذکر شده: «و یشترط فی صدق مفهوم الغنم أن یتحصل فی نتیجة عمل و مجاهدة و اما ما یصل الی شخص من دون العمل فلا یصدق علیه غنمٌ كما فی الهبة و العطية و الارث» طبق این بیان برای تحقق و صدق مفهوم غنم یک شرط مهم وجود دارد و آن اینکه آن شیئی که بدست می آید نتیجه مجاهده و عمل و کوشش و تلاش و یا به عبارتی مشقت باشد وقتی می گوید فی نتیجة عمل و مجاهدة یعنی با تلاش بدست بیاید. حال اینکه تحصیل شیء و وصول و اصابه به شیء در اثر تلاش و کوشش باشد، یک احتمال این است که بگوییم منظور از عمل و مجاهده همان مشقت است اگر بخواهیم معادل سازی بکنیم با آنچه در کتب لغت است معنای غنم می شود «الاصابة بالشيء مع المشقة» طبق

این احتمال یک معنایی است که در هیچ کتاب لغتی گفته نشده اما اگر عمل و مجاهده را به معنای مشقت نگیریم می‌خواهد بگوید هر فائده‌ای که برای انسان حاصل شود با تلاش و کوشش نه مشقت؛ چون عمل و مجاهده می‌تواند تارةً مع المشقة و اخری بدونها باشد. این احتمال دوم احتمال بهتری است که طبق آن الاصابة بشیء می‌شود معنای غنم لکن یک قیدی که اینجا وجود دارد این قید الاصابة بشیء مع عمل و جهد است ولی نسبت به مسئله مشقت مطلق می‌باشد. اما از این حیث مقید است یعنی باید با کار و عمل باشد. این احتمال دوم با این عبارت سازگارتر است ولی معذک این در کلمات لغویین نیست.

### جمع بندی:

اگر به خواهیم یک جمع بندی از آنچه که در کتب لغت درباره معنای غنم و غنیمت ذکر شد، داشته باشیم؛ به یک اعتبار کتاب‌های لغت سه دسته می‌شوند یک عده فقط معنای لغوی را گفتند و یک عده فقط معنای اصطلاحی را بیان کردند و دسته سوم به هر دو معنی اشاره کردند. ما باید این را بپذیریم که گاهی آنچه در کتب لغت ذکر شده، به عنوان معنای لغوی نیست و ممکن اشاره به معنای اصطلاحی و یا به معنایی که در احادیث منظور است اشاره کرده باشند مثل آنچه اشاره کردیم «ثم یختص».

اما از جهت اصل معنای لغوی با توجه به اینکه معنای سوم و معنای چهارم مورد قبول نیست، معلوم می‌شود دو معنی در کتب لغت ذکر شده: یکی عام است و مطلق دسترسی به شیء اعم از اینکه با مشقت باشد یا بدون مشقت باشد و دیگری دسترسی به شیء به شرط آنکه بلامشقت باشد.

پس گفتیم چهار معنی در مجموعه کتب هست یکی "الفوز بشیء بلا مشقة" و یکی "الفوز بشیء یا مطلق الفوز" و یکی "الفوز بشیء مع عمل و جهد" یکی هم "الفوز بشیء بلا بدل" دو معنای اخیر با اینکه در برخی کتاب‌ها ذکر شده ولی چون در کتب لغوی اصلی وجود ندارد قابل اعتنا نیست.

نتیجه اینکه به طور کلی غنم به معنای فوز و اصابه است منتهی بعضی مقید به قید عدم المشقة کرده‌اند و برخی مقید به آن نکرده‌اند.

لذا منظور از غنم اگر مطلق الاصابة بشیء باشد، این شامل غنائم جنگی، معادن و غیر اینها از مطلق آنچه بدست انسان برسد حتی هدیه و ارث و عطیه هم می‌شود.

و معنای غنم الفوز بشیء بلا مشقة باشد همه چیز را شامل می‌شود فقط یک اشکال اساسی می‌ماند و آن اینکه چگونه شامل غنائم جنگی شود؟ چون آنچه که در حرب و جنگ بدست می‌آید قطعاً همراه با مشقت است پس یعنی غنیمت به معنای لغوی شامل غنائم جنگی نمی‌شود؟ به یک معنی حتی به آنچه که در جنگ هم بدست انسان می‌رسد غنیمت گفته می‌شود و یصدق أنه اصاب بشیء بلا مشقة چون در جنگ هدف اصلی و غرض واقعی مغلوب کردن دشمن است یعنی مقصود بالذات در جنگ این است که او را مغلوب کرده یا عقب براند یا نابود کند حال اگر غنیمتی حاصل شد چون جنگ برای رسیدن به غنیمت نبوده لذا این معنی نیز شامل غنائم جنگی می‌شود.

ممکن است بگویند بعضی از جنگ‌ها برای غنیمت بوده که خواهیم گفت چون معمولاً به آنچه در جنگ‌ها هم عائد می‌شود لفظ غنیمت اطلاق می‌شده و نوعاً در جنگ‌ها غرض وصول به آن اشیاء و وسایل نیست، در مواردی هم که غرض رسیدن به منافع و فوائد باشد، دیگر از باب غلبه اسم غنیمت را بر روی آن هم می‌گذاریم.

پسی حتی بنا بر قول به اینکه غنیمت الفوز بشیء بلامشقة باشد صدق بر غنائم جنگی مشکلی ندارد.

### مطلب دوم: الغنیمه فی القرآن

در قرآن شش آیه داریم که از مشتقات این لفظ در آن استفاده شده که باید آنها را بررسی کنیم تا بالاخره ببینیم این واژه و مشتقات آن در قرآن به چه معناست البته باید دقت کرد که ما همه اینها را بررسی می‌کنیم تا بعد از اینها استفاده کنیم و اختلافی که با عامه داریم را حل کنیم و آنچه می‌گویند که غنیمت فقط غنائم دار الحرب را شامل می‌شود و هم چنین اختلافی که در بین فقها وجود دارد و آنکه آیا غنیمت شامل ارث و هبه می‌شود و آیا به آنها غنیمت اطلاق می‌شود یا نه؟ لذا چندین اختلاف با بررسی این واژه حل می‌شود انشاء الله.

### تذکر اخلاقی: یک عامل مهم بی برکت بودن رزق و روزی

از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم «قال رسول الله (ص) من حبس عن اخیه المسلم شیئاً من حقه حرم الله علیه برکة الرزق الا ان یتوب»<sup>۱</sup> هر کسی از برادر مسلمانش یک حقی را منع کند و از اینکه برادر مسلمانش به یک حقی برسد مانع شود خداوند تبارک و تعالی برکت رزق را از او می‌گیرد مگر اینکه توبه کند.

اینها چیزهایی است که ما کم به آن توجه می‌کنیم؛ این حق می‌تواند یک حق مالی باشد یا در یک منازعه و اختلافی حق او را پایمال کند و یا یک حق معنوی است (رتبه و جایگاهی است) جلوی اینها را بگیرد اثر وضعی این کار سلب برکت رزق و روزی است. چرا یک عده‌ای می‌گویند ما هر چه دوندگی می‌کنیم رزق و روزی ما بی برکت است. این برکت در مال خیلی مسئله مهمی است اموری هستند که برکت را از رزق و روزی انسان می‌گیرند که در مواضع مختلف بیان شده مثل بی توجهی و بی احترامی به پدر و مادر، بعضی از گناهان، حال ما در صدد احصاء این امور نیستیم و البته این امور جزء سنت‌هایی است که قابل تغییر نیست یعنی مثل سبب و مسبب است همان طور که آتش می‌سوزاند این امور هم جهت سببیت برای آثار آن دارد مثل اینکه می‌گویند کسی که سر برادر دینی‌اش را فاش می‌کند خدا سرش را فاش می‌کند این یک رابطه سببیت و مسببیت است مگر اینکه توبه کند و برگردد مثل خاموش کردن آتش است که مانع سوزاندن شود. بسیاری از کارهای ما مانند روشن کردن آتش است شعله را ایجاد می‌کنیم اما توبه هم نمی‌کنیم تا مانند آبی باشد و آن آتش را خاموش کند لذا شروع می‌کند به سوزاندن. پس بنابراین یکی از چیزهایی که برکت را از رزق و روزی می‌گیرد همین است که در حدیث بیان شده؛ ریشه این امور هم بیشتر حسادت است حسادت‌ها از جمله بدترین چیزهایی است که می‌تواند انسان را به نابودی بکشاند. نوه امام (ره) می‌فرمود که من می‌خواستم به قم بروم و طلبه شوم در همان روز اول امام (ره) بعد از تشویق و ترغیب به من فرمود: مواظب باش در حوزه حسادت خیلی زیاد است. توجه دادن به این مسئله واقعاً مهم است. این یک مرضی است که بین همه مردم وجود دارد لکن اینجا بدتر است و باید با آن مقابله کرد اگر جایی نسبت به پیشرفت دوست و رفیقی احساس می‌کنید

۱. امالی صدوق، ص ۳۵۰، حدیث ۱.

حسادتتان برانگیخته می‌شود با آن مقابله کنید روحتان را تزکیه کنید و باید از تمامی پیشرفت اطرافیانمان خرسند شویم که در این صورت اگر این کار را بکنیم خداوند تبارک و تعالی توفیقات را برای ما بیشتر می‌کند.

پس در این روایت رسول خدا می‌فرماید: کسی که یک حقی را از برادر مسلمانش حبس کند و مانع رسیدن او به حقی شود خدا برکت را از رزق و روزی او می‌گیرد و برکت رزق را بر او حرام می‌کند مگر اینکه توبه کند و بر آتشی که برافروخته (آتش منع از حق و آتشی که می‌خواهد مانع حق یک مسلمی شود) آبی بریزد تا برکت رزق حاصل شود.

«والحمد لله رب العالمین»